

## بازاری‌شدن آموزش: نگاهی به مدارس نمونه و تیزهوشان

محمد دارکش، معلم

پیشگفتار

زوال آموزش دولتی عمدتاً محصول تضادهای تحمیلی بیرونی است که ذاتی مدرسه در جامعه سرمایه‌داری است. در عصر حاضر به علت حاکمیت نوع جدیدی از انباشت سرمایه‌دارانه یعنی نئولیبرالیسم، هجوم به برخی از حوزه‌هایی که پیش‌تر از آن‌ها به‌عنوان حوزه دولتی یاد می‌شد بیشتر شده است. هجوم شرکت‌ها به دانش‌آموزان، معلمان و مدارس دولتی که در ایالات‌متحده طرح «هیچ کودکی جا نماند» و در سطح جهانی «جنبش جهانی بهسازی آموزش<sup>1</sup>» نماینده جهانی آن است، به علت ناکامی مدارس نیست بلکه به علت ناکامی‌های رو به رشد سرمایه‌داری است که در حال حاضر خصوصی‌سازی و بازاری‌سازی آموزش دولتی را راه‌حل اساسی برای بهبود امراض خود می‌داند.

نقد خصوصی و بازاری‌شدن آموزش به معنای این نیست که از آموزش دولتی در جامعه سرمایه‌داری دفاع شود. آموزش در جامعه سرمایه‌داری در هر صورت در خدمت دولت است و راهی است برای بازتولید روابط سرمایه‌دارانه در جامعه.

\*\*\*

آموزش‌وپرورش یکی از نهادهایی بود که زودتر از سایر نهادها مورد هجوم سیاست‌های نئولیبرالی قرار گرفت. با تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی در سال 1367، پیش از پایان جنگ و شروع برنامه‌های

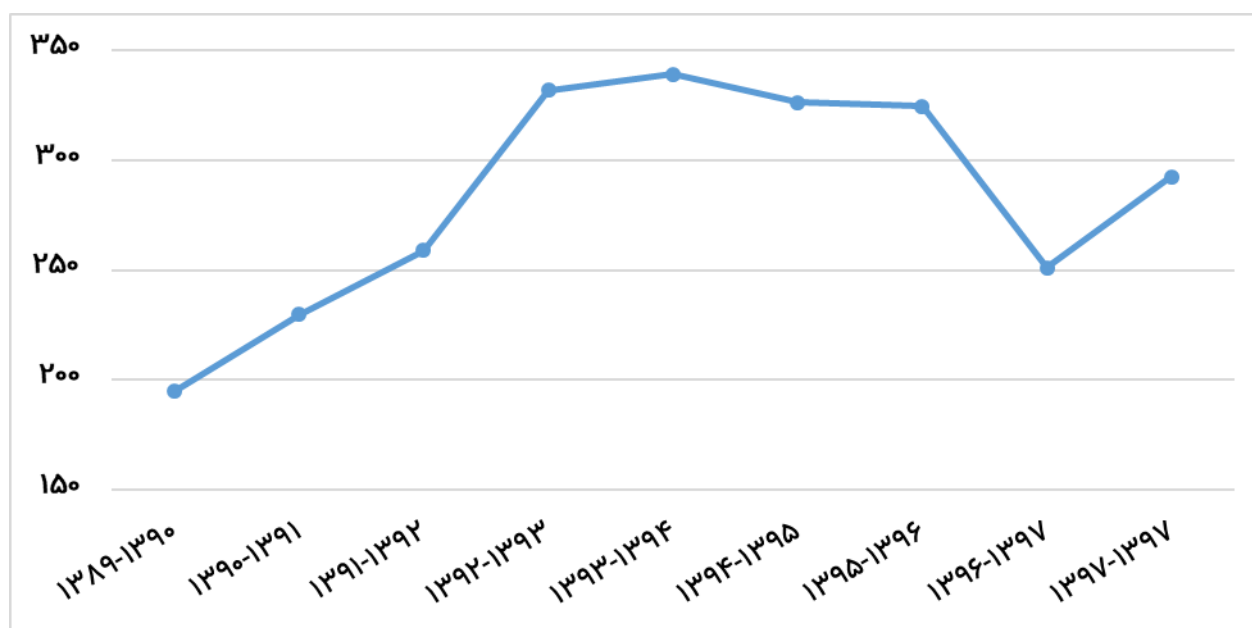
---

<sup>1</sup> - Global education reform movement (GERM)

واژه‌ی germ در انگلیسی به معنای میکروب هم هست. پسی سالبرگ از این عنوان برای اشاره به این شرایط استفاده می‌کند. به نظر انتخاب درستی برای نشان دادن این وضعیت است که همچون میکروبی به جان آموزش افتاده است.

تعدیل ساختاری، روند بازاری شدن آموزش و پرورش شروع شد. برنامه‌های تعدیل ساختاری سرعت بیشتری به این روند بخشید. ظهور مدارس غیرانتفاعی نمونه بارزی از خصوصی و بازاری شدن آموزش بود. اما جلوه‌های دیگری از بازاری شدن آموزش، مدارس خاص هستند. در اینجا سعی در بررسی مدارس نمونه و تیزهوشان به‌عنوان دو نمونه از این مدارس هستیم.

مدارس نمونه در سال 1365 شروع به کار کردند.

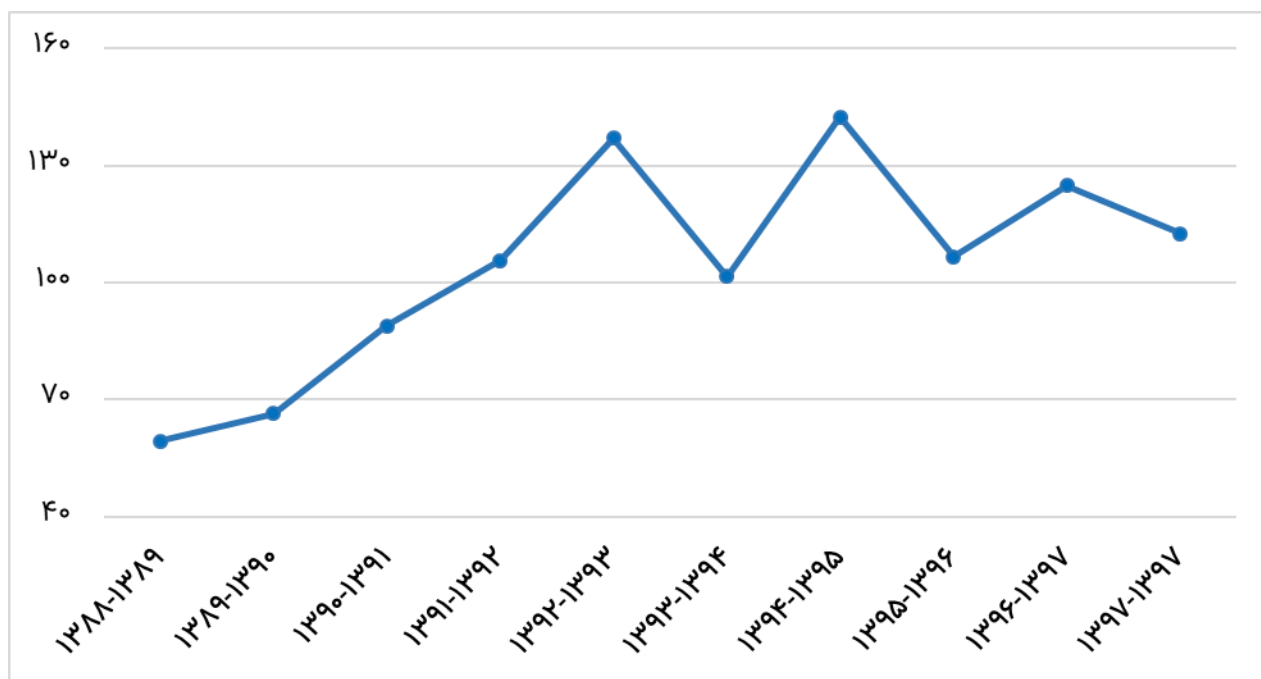


نمودار 1: روند تغییرات دانش‌آموزان مدارس نمونه (برحسب هزار)

روند تغییرات مدارس نمونه نشان می‌دهد که تعداد دانش‌آموزان این مدارس در طی دهه‌ی اخیر بیشتر شده است؛ به‌طوری‌که در سال 1389، 1.5 درصد از کل دانش‌آموزان در مدارس نمونه حضور داشتند در حالی‌که این آمار برای سال 1398، 2 درصد است.

قبل از تأسیس سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (سمپاد)، از بدو پیروزی انقلاب فقط دو مرکز آموزشی تیزهوشان در تهران وجود داشت که تحت پوشش دفتر کودکان استثنایی فعالیت می‌نمود و در سال

۶۶ جمعاً ۸۰۲ دانش‌آموز داشت (این دو مرکز فرزندگان و علامه حلی تهران بودند) که هرلحظه امکان انحلال و ادغام این دو مرکز در مراکز عادی نیز وجود داشت. در سال 1366 بر اساس جمع‌بندی هیئت‌امنای سازمان به درخواست معاون فرهنگی اجتماعی‌نخست‌وزیر – جواد اژه‌ای – از نخست‌وزیر و با حمایت آیت‌الله خامنه‌ای، با تصویب ماده‌واحد‌ای در شورای عالی انقلاب فرهنگی، «سمپاد» جایگاه مستحکم‌تری پیدا نمود.



نمودار 2: روند تغییرات دانش‌آموزان مدارس استعداد درخشان (برحسب هزار)

روند تغییرات مدارس نمونه نشان می‌دهد که تعداد دانش‌آموزان این مدارس در طی دهه‌ی اخیر بیشتر شده است؛ به طوری که تعداد دانش‌آموزان مدارس استعداد درخشان از کل دانش‌آموزان در سال 1388 تقریباً 0/5 درصد بوده است، در حالی که در سال 1398 تقریباً 1 درصد از کل دانش‌آموزان در مدارس استعداد درخشان تحصیل می‌کردند.

اما چرا این مدارس را جلوه‌ای از بازاری شدن آموزش می‌دانیم؟

ابتدا باید به این نکته توجه کرد که این مدارس علی‌رغم مالکیت دولتی از دانش‌آموزان شهریه دریافت می‌کنند. هزینه اداره این مدارس طریق پرداخت‌های مستقیم از جیب دانش‌آموزان تأمین می‌شود. آمارهایی که در جداول زیر ارائه شده میزان تقریبی شهریه این مدارس است. البته لازم به ذکر است که این شهریه با توجه به شهر و منطقه آموزشی متفاوت است.

میزان تقریبی شهریه مدارس نمونه 1400		
مقطع تحصیلی	حداقل مبلغ شهریه	حداکثر مبلغ شهریه
دوره متوسطه اول	4 میلیون و 200 هزار تومان	8 میلیون و 400 هزار تومان
دوره متوسطه دوم	4 میلیون و 500 هزار تومان	12 میلیون تومان

میزان تقریبی شهریه مدارس تیزهوشان 1400

مقطع تحصیلی	حداقل مبلغ شهریه	حداکثر مبلغ شهریه
دوره متوسطه اول	4 میلیون و 500 هزار تومان	8 میلیون تومان
دوره متوسطه دوم	6 میلیون و 500 هزار تومان	10 میلیون و 200 هزار تومان

مسئله‌ی دیگری که باید به آن توجه داشت نحوه قبولی در آزمون‌های ورودی این مدارس است. موفقیت دانش‌آموز در این آزمون‌ها به میزان زیادی به رفتن به کلاس‌های بخش خصوصی، داشتن معلم خصوصی و همین‌طور گذراندن کلاس‌های فوق‌برنامه پولی در مدارس وابسته است. در نتیجه راهیابی به این مدارس و توان پرداخت هزینه این مدارس وابسته به وضعیت اقتصادی دانش‌آموزان است.

همچنین این مدارس با جذب معلمان برتر، مدارس عادی دولتی را از داشتن چنین معلمانی محروم می‌کنند. جذب دانش‌آموزان برتر نیز باعث می‌شود که مدارس دولتی از چنین دانش‌آموزانی محروم شوند. با جذب این دانش‌آموزان، نیروهای معترض یعنی آن خانواده‌هایی که کیفیت و وضعیت آموزشی برایشان مهم هست نیز از مدارس دولتی به این مدارس خاص کوچ می‌کنند و عملاً مدارس دولتی عادی از نیروی اعتراضی خالی می‌شوند؛ در نتیجه فشار بر دولت برای بهتر شدن کیفیت مدارس دولتی عادی بسیار کم می‌شود.

برای بررسی کیفیت بهتر این مدارس و تضعیف کیفیت مدارس دولتی عادی، شاید کنکور شاخص خوبی باشد. این مدارس سهم بالایی هم در بین نمرات زیر 3000 هزار کنکور در سال 1398 هم داشتند. در گزارشی که توسط وزارت آموزش و پرورش با عنوان «بررسی و تحلیل آماری کنکور 1399 با تأکید بر برابری و عدالت آموزشی» انجام شده است، پراکنش 3 هزار رتبه‌ی برتر گروه‌های 5گانه‌ی آموزشی به تفکیک 31 استان و 735 منطقه آموزشی کشور آمده است. آمار پذیرفته‌شدگان بر اساس جنسیت،

شهری/روستایی، و نوع مدرسه نیز ارائه شده است. در ادامه به برخی از نتایج این گزارش متناسب با موضوع این پژوهش نگاهی می‌اندازیم.

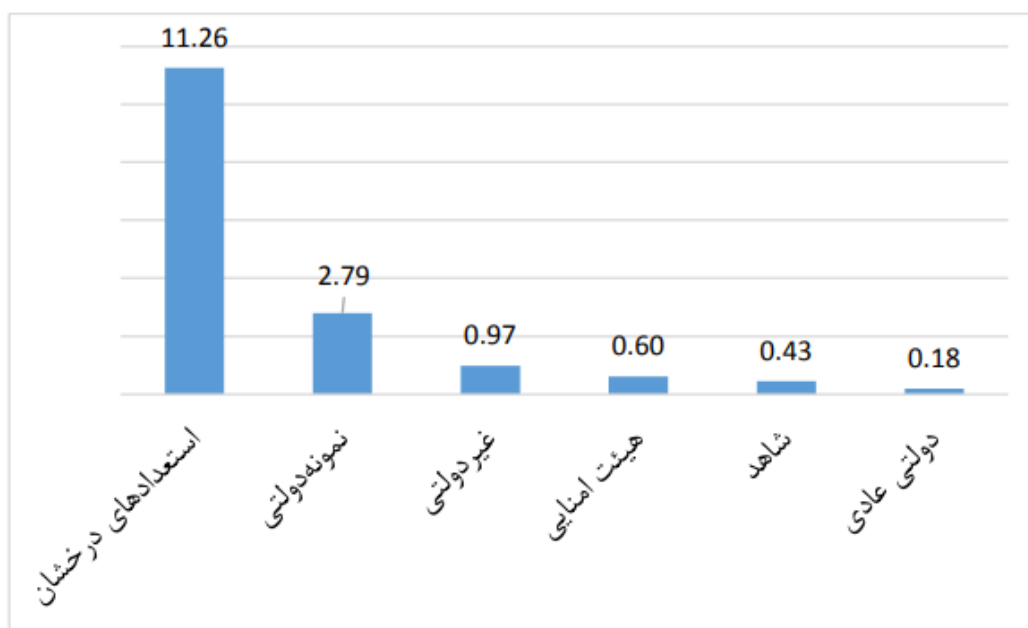
جدول 1: میزان تناسب سهم انواع مدارس از رتبه‌های برتر با جمعیت دانش‌آموزی پایه دوازدهم

در سه گروه آموزشی

ردیف	نوع مدرسه	سهم از رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ کشور	سهم از جمعیت پایه دوازدهم	تناسب میان تعداد رتبه‌های برتر دانش‌آموزی و جمعیت دانش‌آموزی تحت پوشش		
				انسانی	تجربی	ریاضی
۱	استعدادهای درخشان	۳۸,۸۳٪	۳,۴۵٪	۳۰,۲۵	۱۱,۲۹	۸,۱۸
۲	نمونه دولتی	۲۴,۴۹٪	۸,۷۷٪	۶,۲۵	۱,۶۱	۱,۳۶
۳	غیردولتی	۱۸,۸۷٪	۱۹,۴۱٪	۱,۰۷	۰,۵۳	۱,۱۳
۴	هیئت امنایی	۵,۹۵٪	۹,۸۴٪	۱,۳۰	۰,۱۲	۰,۳۳
۵	شاهد	۲,۱۴٪	۴,۹۵٪	۱,۲۹	۰,۱۸	۰,۱۵
۶	دولتی عادی	۹,۷۲٪	۵۳,۵۸٪	۰,۳۱	۰,۰۷	۰,۰۷

همچنان که در جدول فوق آمده است؛ مدارس استعدادهای درخشان ۱۱ برابر سهم جمعیت دانش‌آموزی خود، رتبه برتر به دست آورده‌اند (حائز ۳۹٪ رتبه‌ها در قبال ۳/۵٪ جمعیت پایه دوازدهم کشور). مدارس نمونه دولتی (با داشتن ۲۴/۵٪ از رتبه‌ها در قبال ۹٪ جمعیت) در حدود ۳ برابر، و مدارس غیردولتی (با داشتن ۱۹٪ از رتبه‌ها در قبال ۱۹٪ جمعیت) تقریباً مساوی با سهم جمعیت دانش‌آموزی‌شان، رتبه برتر

داشته‌اند. برای مابقی انواع مدارس، میزان این تناسب زیر ۱۰۰۰ است. مدارس هیئت‌امنایی (با داشتن ۶٪ از رتبه‌ها در قبال ۱۰٪ جمعیت) و شاهد با داشتن ۲٪ از رتبه‌ها در قبال ۵٪ جمعیت) تقریباً به‌اندازه نصف سهم جمعیت دانش‌آموزی‌شان رتبه برتر به دست آورده‌اند. این تناسب برای مدارس دولتی عادی کمتر از ۰/۲ است. یعنی دانش‌آموزان مدارس دولتی عادی به‌اندازه سهم ۰/۲ جمعیت دانش‌آموزی‌شان رتبه برتر به دست آورده‌اند. مدارس عادی دولتی بیشترین حجم جمعیت پایه دوازدهم (۵۴ درصد) را پوشش می‌دهند اما کمتر از یک‌دهم رتبه‌های زیر ۳۰۰۰ کشور را به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار 3: میزان تناسب رتبه‌ها به جمعیت دانش‌آموزی مدارس

مشخص است که حتی قبولی در دانشگاه‌های برتر و رشته‌هایی که متقاضی زیادی دارند سهم کسانی است که در این مدارس تحصیل کردند. مدارس که قبولی در آنها تا حد زیادی بستگی وضعیت اقتصادی فرد دارد.<sup>2</sup> در واقع این طبقه است که تا حد زیادی دانشگاه، رتبه و شغل آینده دانش‌آموزان را تعیین می‌کند. از نظر بولز و گینتیس<sup>3</sup>، آموزش در سرمایه‌داری در جهت الزامات طبقه سرمایه‌دار تکامل می‌یابد که آن را تابع نیازهای تولید و انباشت می‌کند. این امر در آنچه نویسندگان آن را اصل تطابق می‌نامند، یا این تصور که «روابط اجتماعی آموزش» معمولاً با روابط اجتماعی تولید در جامعه سرمایه‌داری مطابقت دارد، آشکار می‌شود. بنابراین، آموزش برای خدمت به تولید است و تقسیم سلسله مراتبی کار در سیستم تولیدی را همانندسازی می‌کند. از این رو هم هدف اصلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در جامعه سرمایه‌داری - ایجاد کارگران یا نیروی کار برای تولید - و هم فرآیند کار درون خود مدرسه که توسط کارگران آموزش و پرورش انجام می‌شود، اساساً مشروط به روابط تولید در سطح کلان‌تری هستند. امری که دلیل ایجاد مدارس نمونه و تیزهوشان را مشخص می‌کند: تولید نیروی کار ماهر.

پیش از پایان بحث باید به این موضوع اشاره شود که تعدد مدارس خاص باعث شده که دانش‌آموزانی که موفق به پذیرش در این مدارس نشوند اگر از پس هزینه‌های بالای مدارس غیردولتی برنیایند به مدارس خاص دیگری از جمله هیئت‌امنایی و شاهد خواهند رفت. این مدارس نیز کیفیت بالاتری نسبت به مدارس عادی دولتی دارند. مدارس هیئت‌امنایی که شهریه‌ای هستند و مدارس شاهد هم در اختیار فرزندان شهدا و جانبازان هستند.

---

<sup>2</sup> - حتی توزیع رتبه‌های برتر کشور در استان‌های مختلف نابرابر است؛ شهر تهران در حدود یک‌سوم رتبه‌های برتر کشور را در خود جای داده است در حالی که صرفاً ۱۰ درصد جمعیت دانش‌آموزی پایه دوازدهم را داراست به اندازه ۳ برابر سهم جمعیتی اش رتبه برتر دارد. استان سیستان و بلوچستان تنها 0/5 درصد رتبه‌های برتر را به خود اختصاص داده، در حالیکه بیش از 3/5 درصد جمعیت دانش‌آموزی پایه دوازدهم را داراست (به اندازه 0/15 سهم جمعیتی اش رتبه برتر دارد).

<sup>3</sup> - *Schooling in Capitalist America*(1988)



## جمع‌بندی

آموزش‌وپرورش از ابتدای دهه‌ی 1970 مورد حمله سیاست‌های نئولیبرال قرار گرفته است؛ سیاست‌های که منجر به خصوصی و بازاری‌شدن آموزش در جهان شده است. در ایران نیز همچون وضعیت جهانی شاهد بازاری‌شدن آموزش هستیم که یکی از جلوه‌های آن همین مدارس تیزهوشان و نمونه است که در این مقاله به آن پرداخته شد. برای مقابله با بازاری‌شدن آموزش و تبدیل مدرسه به بنگاه اقتصادی، نیازمند این هستیم که علاوه بر اینکه آموزش رایگان به مطالبه‌ای همگانی تبدیل شود و دولت به وظایف خود برای ایجاد آموزش رایگان و همگانی عمل کند؛ تنوع و تعدد مدارس (بر اساس آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال 1395، بیست نوع مدرسه در ایران داریم) از جمله همین مدارس نمونه و تیزهوشان از بین برود.